

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: یک هوادار

۱۰/۱۱/۲۰

بحران اوپاما را شکست داد

همان گونه که انتظار می رفت دمکرات ها در انتخابات میان دوره کنگره امریکا که روز دوم نومبر برپا شد شکست خوردند و جمهوریخواهان از آنان پیشی گرفتند.

بسیارند کسانی که هنوز جو کاذب رسانه ای دو سال پیش را فراموش نکرده اند. در آن زمان باراک اوپاما به تاسی از آن چه فرهنگ امریکائی نامیده می شود همچون سوپرمنی معرفی می شد که قرار بود هم امریکائیان و هم جهانیان را از تمام مصائب موجود در سطح این کشور و کره گیتی نجات دهد. کار تا آن جا پیش رفت که حتا وی جایزه صلح نوبل را هم گرفت!

راست این است که برخی از رنگین پوستان و نیز جوانان بی تجربه در سیاست، آن هم در صحنه سیاسی امریکا که فقط و فقط بودجه های هنگفت تبلیغاتی چند میلیارد دلاری ضامن پیروزی در انتخابات هستند، همچنین بسیاری از شهروندان امریکائی که اغلب در انتخابات شرکت نمی کنند، دو سال پیش با توجه به ظاهر باراک اوپاما و نیز وعده های او از جمله در زمینه اصلاح نظام بهداشتی به میدان آمدند و به نفع او آرای خود را به صندوق ها ریختند. اکنون همانان و دیگران شاهدند که نه فقط وضعیت داخلی امریکا بهبود نیافت، بلکه در سطح بین المللی و سیاست خارجی ایالات متحده امریکا نیز تغییری صورت پذیرفت. در زمینه بین المللی کافی ست به اوضاع در افغانستان و عراق نگاهی انداخت. هر چند برنده صلح نوبل نیروهای بیش تری به افغانستان گسیل کرد، اما باتلاق افغانستان عریض و طویل تر شد. در عراق هر روز وضعیت خراب تر از گذشته می شود و حتا توافق بر سر یک دولت دست نشانده نیز به معضل تبدیل شده است. دولت اوپاما همچنین در رابطه با مسأله فلسطین کاری از پیش نبرد.

در داخل امریکا بحران اقتصادی عمیق تر از گذشته شده است. میزان بیکاری به ۱۰% رسیده است، کسری بودجه دولت فدرال از رقم نجومی یک تریلیون و سیصد میلیارد دلار گذشته است، ملیون ها امریکائی که در پی بحران subprime ها خانه خود را از دست داده اند، هنوز سرگردان اند.

یک نویسنده امریکائی به نام آریانا هافینگتون در گفتگویی که اخیراً با مجله لوموند داشته است وضعیت عمومی امریکا را چنین ترسیم می کند:

صد میلیون امریکائی با درآمدی کم تر از والدینشان در همان سن روزگار می گذرانند، نزدیک به هشت ملیون و نیم شغل از سال ۲۰۰۷ از دست رفته اند، از هر پنج امریکائی یک نفر یا بیکار است یا شغلی کاذب دارد، از هر هشت امریکائی یک نفر با بُن های غذایی زندگی می کند. خانم هافینگتون می افزاید که ۳۰٪ دانش آموزان بدون اخذ هیچ مدرکی ترک تحصیل می کنند.

به پدیده Tea Party به عنوان یکی از عوامل شکست دمکرات ها در انتخابات میان دوره ای اشاره می شود. اما این پدیده چیست و چه کسانی آن را به راه انداخته اند؟ تی پارتی به یکی از رویدادهای تاریخی بنیان گذاری امریکا در سال ۱۷۷۳ برمی گردد، در آن سال و در بندر بوستون قیامی علیه مجلس بریتانیا رخ داد که در طی آن مردم به کشتی های انگلیسی حمله کردند و محموله آنها را که جای بوده به دریا ریختند. علت این قیام اعتراض به مصوبه مجلس بریتانیا بود که با توجه به انحصار تجارت چای می خواست مصرف آن را به مردم تحمیل کند. اماتی پارتی که امروز در امریکا رشد نموده در واقع جنبشی ست که در پشت آن بخش هائی از حزب جمهوریخواه امریکا قرار دارند که دارای نظراتی عمیقاً نژادپرستانه و ارتجاعی و حتا فاشیستی هستند. آنان در تجمعات خود برای توضیح واژه Tea از کلمات Taxed Enough Already استفاده کردند.

واقعیت این است که برخی از جمهوریخواهان که دیدند مردم دیگر نه به آنان اعتماد می کنند و نه به دمکرات ها، بر آن شدند تا این جنبش ارتجاعی را به راه اندازند، جنبشی که دارای نظراتی ارتجاعی تر از دار و دسته جرج بوش دوم است. طرفداران تی پارتی معتقدند که دولت باید دست از سر "مردم درستکار" بردارد و مالیات آنان را هزینه فقراء، مهاجران و سیاستمداران واشینگتن نکند. آنان می گویند که هر کس باید به فکر خودش باشد و طرفدار "مسئولیت های فردی" در جامعه هستند. آنان می گویند که مردم باید در شهرهای کوچک سنتی زندگی کنند. آنان همچنین مسلمانان، چینی ها و "توطئه گران خارجی" را مسؤول مشکلات کنونی امریکا می دانند. طرفداران تی پارتی می گویند که سوسیالیست ها در حال نفوذ به همه جا هستند. آنان اوباما را یک مسلمان مخفی اعلام می کنند و وی را با هیتلر مقایسه می کنند که می خواهد نظام بیمه های اجتماعی را اجباری کند! طرفداران تی پارتی همچنین خود را مخالف سرسخت سقط جنین معرفی می کنند و می گویند که خدا امریکا را برای ورشکستگی اخلاقی مجازات می کند.

تی پارتی خلاف نامی که یدک می کشد یک حزب نیست و از یک رشته کمیته ها و گروه های محلی تشکیل شده است. میلیاردی های صنعت نفت امریکا مانند برداران کوچ، رسانه های ارتجاعی همچون فاکس نیوز و همچنین اعضای پرنفوذ جمهوریخواهان مانند راند پال و سارا پالین از جمله کسانی هستند که به حمایت مالی، رسانه ئی و سیاسی از تی پارتی می پردازند.

آقای باراک اوباما پس از پیروزی انتخاباتی جمهوریخواهان همانگونه که در تمام نظام های مبتنی بر دمکراسی پارلمانی مرسوم است اعلام نمود که حاضر است با جمهوریخواهان همکاری کند. به هر حال وی در این برهه چاره ای به جز این ندارد، چرا که پیروزی انتخاباتی اخیر جمهوریخواهان در کنگره امریکا از سال ۱۹۳۸ بدین سو بی سابقه بوده است. بدون این که قصدی بر قرینه سازی تاریخی باشد، باید گفت که در آن دوران بحران مالی – سیاسی در امریکا و در سطح جهان پس از بحران عظیم بورس در سال ۱۹۲۹ جهان را به کام یک فاجعه برد که جنگ جهانی دوم نام گرفت. بحران کنونی نظام جهانی سرمایه داری ابعادی به مراتب وسیع تر از آن دوران گرفته است. ظهور پدیده تی پارتی در امریکا، پیروزی احزاب راست افراطی در انتخابات های اخیر اروپا در سوئد، مجارستان و غیره، سیاست های ریاضت اقتصادی که توسط دولت های اروپائی، چه سوسیال – دمکرات مانند

یونان و اسپانیا و چه نئولیبرال همچون انگلستان و فرانسه اعمال می شوند همگی از تعمیق بحران در پر قدرت ترین کشورهای سرمایه داری جهان خبر می دهند.

انتخابات میان دوره ئی اخیر و برآمد یک نیروی ارتجاعی مانند تی پارتی نشان می دهد که وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امریکا در آینده نزدیک رو به وخامت بیش تر می گذارد و نیروهای راست و ارتجاعی که دارای نظراتی نئوفاشیستی و ویرانگر از همه جهت هستند با سیاست های تعرضی تر و آن هم از راه های قانونی، با داشتن اکثریت در پارلمان ها، به جلو می آیند و امکان هر گونه فاجعه ای چه در زمینه داخلی و چه در زمینه بین المللی مثلاً در برخورد با برنامه هسته ای جمهوری اسلامی یا پیمان نمودن بیش از پیش حقوق ملت ها از جمله مردم افغانستان، عراق و فلسطین از جانب آنان وجود دارد.